

۱۴۲۶۹۴۷



# تاریخ سیاسی

ا. مدگل محمدی

www.ketab.ir

تهران، ۱۳۹۵



پژوهشکده تاریخ اسلام

## تاریخ سیاسی

تالیف: احمد گل محمدی

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

مدیر نشر: خلیل قویدل

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ و صحافی: تقویم

ردیف انتشار: ۶۱

۱۴۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر (عج)، خیابان شهید بهشتی، پور، خیابان دستگاران، شهرور شرقی، شماره ۹

تلفن: ۸۸۶۷۶۸۶۱ - ۳ - ۸۸۶۷۶۸۶۰ پ.ک: ۸۸۶۷۶۸۶۰

www.ptc.ac.ir

سرشناسه: گل محمدی، احمد، ۱۳۲۷.

عنوان و نام پدیدآور: تاریخ سیاسی / احمد گل محمدی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۳۰ ص.

فروست: پژوهشکده تاریخ اسلام: ۶۱

شابک: 978 - 600 - 7398 - 33 - 3

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: علوم سیاسی -- تاریخ.

موضوع: دولت.

موضوع: قدرت (علوم اجتماعی).

موضوع: دین و سیاست.

رده بندی کنگره: JA۸۱/۷۸ت۲ ۱۳۹۵

رده بندی دیوین: ۳۲۰/۰۹

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۰۹۸۱۷

## سخن اول

تاریخ هر امت و جامعهای انحراف فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه دارد. اسلام، جامعه اسلامی به عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه تاریخی با ابعاد و عنایدهای روشن و بدون ابهام است. اهمیت این پیشینه تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم اخلاقی، فلسفه و هنر و نقش بی بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده دانشگاهها و دانشمندان غربی را در راه تحقیق و مطالعه این تاریخ عظیم برانگیخته است؛ تا بدان پایه که معتبرترین منابع اطلاعات پژوهشی در حوزههای گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می توان سراغ گرفت.

به رغم توجه ویژه پژوهشگاههای دنیای غرب به اسلام، دانشگاههای آنان توانایی ذاتی آنها از شناخت اسلام ناب و حقیقی - به دلیل عدم دسترسی مستقیم و به دور از تدریس منابع اصیل، و لاجرم اطلاع محدود پژوهشگران از زمینهها و پس زمینههای یک تحقیق علمی - باعث آغاز حرکتی اساسی و همه جانبه از سوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیح و تکمیل تلاشهای گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متکی بر پیشرفتهترین روشهای پژوهشی قرار شود، بی شک تغییرات بنیادی در مسیر این گونه مطالعات در پژوهشگاههای مهم دنیا در زمینه تاریخ اسلام و مسائل مختلف آن دور از دسترس نخواهد بود.

هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده تاریخ اسلام - که هم اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و رشتههای پیوسته به آن، آغاز به کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آماده همکاری با

همه کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این رو، پاسخگویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعه ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به خصوص پژوهشگران قرار می‌گیرد، وجهه همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش‌های گوناگون دنبال می‌شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان - به صورت تألیف و یا ترجمه - مانند اثر حاضر، از جمله آنهاست. البته برنامه‌هایی همچون تشکیل کارگاه‌های تخصصی، نشست‌های علمی تخصصی و حمایت از پروژه‌های پژوهشی مورد نیاز، نیز برای تحقق هدف یاد شده در حال پیگیری و اجراست که ضرورت دارد کیفیت و کمیت آنها افزایش یابد.

این مرکز، هم‌اکنون با شش گروه علمی و زیر نظر شورای علمی فعالیت می‌کند، که ان شاء الله به زودی تعداد آن به دو برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدامات کم‌سابقه پژوهشکده، تأسیس دانشنامه جغرافیایی تاریخی جهان اسلام است که بزودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست علمی از استادان در هفت گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را - تاکنون - همراه با مدیحه اصل آن در پایگاه اینترنتی عرضه کرده است تا دسترسی محققان به منابع را آسان کند.

پژوهشکده تاریخ اسلام به وسیله پایگاه اینترنتی خود با همه پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می‌کند. این پایگاه، علاوه بر انعکاس همه فعالیت‌های این مرکز علمی، بازتاب‌دهنده فعالیت‌های علمی انجام شده توسط مراکز و اشخاص دیگر در این رشته است. با فعال شدن پایگاه مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکزی - علمی و همه‌جانبه، که انعکاس‌دهنده همه آثار موجود در زمینه تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد.

علاوه بر آن، هم‌اکنون کتابخانه تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال‌تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همه تلاشگران در راه - حق و عقیقت، آرزوی موفقیت می‌کنم.

سیدهادی خامنه‌ای

رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام

## فهرست مطالب

|                                            |     |
|--------------------------------------------|-----|
| پیش‌گفتار                                  | ۹   |
| مقدمه                                      | ۱۱  |
| فصل اول: نگاهی به پیشینه تاریخ سیاسی ایران | ۱۹  |
| شکل‌گیری، رونق و افول تاریخ سیاسی          | ۱۹  |
| رستاخیز تاریخ سیاسی                        | ۲۱  |
| تاریخ سیاسی در آستانه هزاره سوم            | ۲۵  |
| فصل دوم: چیستی تاریخ سیاسی                 | ۳۳  |
| چیستی تاریخ                                | ۳۳  |
| چیستی امر سیاسی                            | ۴۳  |
| چیستی تاریخ سیاسی                          | ۵۰  |
| فصل سوم: روش تاریخ سیاسی                   | ۵۳  |
| از هستی‌شناسی تا روش‌شناسی                 | ۵۴  |
| وجوه و شاخص‌های تحول سیاسی                 | ۹۰  |
| تحول در کسب قدرت سیاسی                     | ۹۱  |
| تحول در اعمال قدرت سیاسی                   | ۱۱۰ |
| تحول در انحصار قدرت سیاسی                  | ۱۳۹ |

|     |                                           |
|-----|-------------------------------------------|
| ۱۵۰ | تحول در انفکاک قدرت سیاسی                 |
| ۱۶۱ | تحول در ادغام قدرت سیاسی                  |
| ۱۷۵ | بستر تحول قدرت سیاسی نهادینه در قالب دولت |
| ۱۷۷ | بستر مندی تحول                            |
| ۱۸۱ | بستر فرهنگی تحول قدرت سیاسی               |
| ۱۹۰ | بستر روانشناختی تحول قدرت سیاسی           |
| ۱۹۵ | بستر اجتماعی تحول قدرت سیاسی              |
| ۲۰۱ | بستر اقتصادی تحول قدرت سیاسی              |
| ۲۰۵ | بستر جغرافیایی تحول قدرت سیاسی            |
| ۲۰۹ | بستر دراماتی تحول قدرت سیاسی              |
| ۲۱۱ | برخی مسائل مبهم                           |
| ۲۱۷ | جمع‌بندی و نتیجه‌گیری                     |
| ۲۲۱ | فهرست منابع                               |
| ۲۲۷ | نمایه                                     |

## پیش‌گفتار

فکر و انگیزه نوشتن - بین کتاب حدود یک دهه پیش شکل گرفت که درسی با عنوان «تاریخ تحولات اجتماعی سیاسی ایران» تدریس می‌کردم. نخست تصورم این بود که تدریس چنین واحد درسی بسیار ساده و آسان خواهد بود. هر مشکل چندانی برای تعریف مفاهیمی، مانند «تاریخ»، «تحولات اجتماعی، سیاسی» و نسبت‌های میان آن‌ها نخواهم داشت و می‌توانم مصادیق چنین مفاهیم و عبارت‌هایی را به آسانی بازشناسی نمایم. ولی در عمل کار بسیار دشوارتر از آن بود که تصور می‌کردم. به عبارتی، نه تعریف موجهی برای مفاهیم و نسبت‌های مفهومی یافتم و نه روش مناسبی برای تدریس. گویی اصلاً چنین مسئله‌ای پیشتر مطرح نشده بود که راه‌حلی برای آن پیدا شود.

حتی هنگامی که متوجه شدم روی دیگر سکه ابهام مفهومی و روش‌شناختی در زمینه تاریخ سیاسی، رونق گرفتن بازار شبه‌علم در این حوزه است، انگیزه‌ام برای طرح این مسأله و تلاش برای حل آن بیشتر شد. ابهام درباره چیستی تاریخ سیاسی باعث شده است تا آنچه عدل معارهای تاریخ‌نگاری را ندارد به نام تاریخ سیاسی در چنین بازاری عرضه شود و خریدارانی هم پیدا کند. به بیان دیگر، نگرانی از آسیب‌های اجتماعی خرنده ناشی از وضعیت نامطلوب حاکم بر رشته تاریخ سیاسی، باعث شد تا آن را موضوع پژوهش مستقلی قرار دهم که گزارش یافته‌های آن پژوهش در قالب این کتاب تقدیم می‌شود.

گفتنی است، کتاب دربرگیرنده معتبرترین پاسخ به پرسش از چیستی تاریخ سیاسی و چگونگی نگارش آن نیست بلکه پاسخی است از میان پاسخ‌های ممکن. امیدوارم چنین ادعایی انگیزه کافی

برای علاقمندان و پژوهشگران این حوزه ایجاد کند تا با نقد کتاب، بستر مناسبی برای یافتن پاسخ‌های موجه‌تر و معتبرتر فراهم کنند.

احمد گل‌محمدی  
آذر ۱۳۹۲

www.ketab.ir

تاریخ یا علم شناخت گذشته یا ارسامی سازمان یافته رویدادهای گذشته در ساده ترین و فراگیرترین معنای خود، تقریباً به اندازه ریختن اجماعی قدمت دارد. بیشتر اعضای جوامع مختلف همواره با علاقه مندی به شناخت گذشته به دنبال آن بوده اند که بدانند زندگی جوامع و انسان های متعلق به زمان گذشته چگونه بوده است. بنابراین، بار از گذشته در قالب تاریخ نگاری تجربه آشنای همه جوامع به شمار می آید و هر ساله آثار بیشتر و بیشتری درباره رویدادهای گذشته منتشر می شود تا روایت های بیشتر و دقیق تری از وجود و حوزه های مختلف زندگی جوامع و انسان های گذشته در اختیار علاقه مندان و نیازمندان قرار گیرد. نتیجه این فرایند، انتشار سالانه ده ها کتاب و صدها مقاله است که می توان آن ها را ذیل عنوان «تاریخ سیاسی»، «تاریخ اجتماعی»، «تاریخ اقتصادی»، «تاریخ فرهنگی»، «تاریخ فکر»، «تاریخ دیپلماسی»، «تاریخ نظامی» یا عناوین مشابه دیگر دسته بندی کرد. البته میزان کتاب ها و مقالات منتشر شده مرتبط با تاریخ سیاسی به نسبت بیشتر از دیگر رشته های تاریخ است. هر چند آمار دقیقی درباره ترکیب انتشار سالانه کتاب ها و مقالات مرتبط با تاریخ وجود ندارد، به آسانی می توان پذیرفت که سهم آثار مرتبط با تاریخ سیاسی بسیار بیشتر از آثار دیگر است. برای مثال، جست و جویی ساده در اینترنت، نشان می دهد که بیشتر نوشته های مربوط به تاریخ ایران یا تاریخ آمریکا درباره تاریخ سیاسی این دو کشور است تا تاریخ غیرسیاسی آن ها. نتیجه جست و جوی پایگاه های مختلف «کتابخانه ملی ایران» هم مؤید چنین ادعایی است و نشان می دهد که کتاب های مربوط به «تاریخ سیاسی ایران»، بسیار بیشتر از کتاب هایی در زمینه «تاریخ فرهنگی ایران»، «تاریخ اقتصادی ایران» یا «تاریخ اجتماعی ایران» است.

با وجود اهمیت زیاد تاریخ سیاسی، تعریف آن چندان محلی از اعراب ندارد. در بیشتر موارد، تاریخ سیاسی بدون اینکه تعریف شود، نوشته می‌شود به عبارتی، در بیشتر کتاب‌ها و مقالات مرتبط، چستی تاریخ سیاسی مفروض گرفته می‌شود، بدون اینکه درباره این مفروض سخنی به میان آید. در این گونه آثار، مورخ بدون بحث مستقل مفهومی درباره تاریخ سیاسی، به مصادیق تاریخ سیاسی می‌پردازد و از هر گونه تعریف مشخص تاریخ سیاسی طفره می‌رود (Burk, 1985: 8). گفتنی است، در شمار نسبتاً اندکی از کتاب‌ها و مقالات نوشته شده درباره تاریخ سیاسی، از تعریف تاریخ سیاسی خودداری نشده است. ولی چستی تاریخ سیاسی همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است. به بیان دیگر، این گونه تلاش‌ها برای ساماندهی مفهومی و روشی تاریخ سیاسی چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. اولاً، در بیشتر موارد تعریف تاریخ سیاسی اساساً تاتالوژیک یا این همان گوینده است و تعریف ارائه شده از توضیح واضح‌تر چندان فراتر نمی‌رود. ثانیاً، در برخی موارد، تاریخ سیاسی به صورت سلی تعریف شده است؛ به این معنا که ادعا می‌شود، تاریخ سیاسی غیر از تاریخ اجتماعی، تاریخ فرهنگی، تاریخ اقتصادی و تاریخ نظامی است. ثالثاً، در مواردی تاریخ سیاسی بر اساس مصادیق آن (مانند ریاضیات، مهندسی، پزشکی، حکومت، رهبران سیاسی و امثالهم) تعریف می‌شود (برای نمونه، بنگرید به Burk, 1985: 8; Schmitt, 1996; Pincus and Novak, 2006; Roy, 2003; Tosh, 1991: 74; Green, 1984: vol. 1: 1-2).

البته، در موارد نادری به تأملات جدی و مستدل در این باره پرداخته شده است، مانند رانکه، هگل و حتی التون اشاره می‌شود که در این گونه موارد هم تعریف تاریخ سیاسی موضوع بحث و توجیه مستقل قرار نمی‌گیرد. به بیان ساده‌تر، گفته نمی‌شود که تعریف ارائه شده از تاریخ سیاسی بر چه بنیادهای هستی‌شناسانه و شناخت‌شناسانه استوار است، چگونه می‌توان آن تعریف را توجیه کرد و تعاریف ارائه شده را برای تاریخ‌نگاری‌های معین به کار بست. برای مثال، در کتاب پنجاه متفکر عرصه تاریخ، تعریف تاریخ سیاسی به مثابه دستاورد اصلی التون مطرح نشده است و در سطرهای پایانی مدخل التون صرفاً به موضوع این اثر اشاره شده است (Hughes-Warrington, 2008: 83-90).

بنابراین، به جرئت می‌توان گفت نسبت موجهی میان قدمت و اهمیت تاریخ سیاسی و تعریف تاریخ سیاسی وجود ندارد. با وجود اینکه تاریخ سیاسی قدیمی‌ترین و مهم‌ترین سنت تاریخ‌نگاری به شمار می‌آید، تلاش چشمگیری برای تعریف تاریخ سیاسی و رفع ابهام نسبی درباره ماهیت آن صورت نگرفته است. چنین ابهامی باعث شده است تا تاریخ سیاسی یا نگارش تاریخ سیاسی یا تاریخ

سیاسی‌نگاری یا تاریخ‌نگاری سیاسی (البته نه به معنای نگارش تاریخ با ملاحظات و جانبداری‌های سیاسی) سامان پیدا نکند و روش مشخصی برای این نوع تاریخ‌نگاری تعریف نشود. با توجه به نکات بیان‌شده، این کتاب را می‌توان محصول کوششی برای رفع چنین ابهامی دانست؛ زیرا به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان تاریخ سیاسی را مفهوم‌بندی کرد؟

در واقع، پرسش از چگونگی مفهوم‌بندی تاریخ سیاسی پرسش از چگونگی تعریف تاریخ سیاسی و نگارش تاریخ سیاسی است. به بیان دیگر، در چارچوب انجام چنین پژوهشی، می‌خواهیم به این دو پرسش مرتبط پاسخ دهیم که ۱) تاریخ سیاسی را چگونه می‌توان تعریف کرد؟ ۲) چه روشی برای نگارش تاریخ سیاسی مناسب است؟ در واقع، پرسش اول نوعی پرسش هستی‌شناسانه و پرسش دوم هم‌پرسشی روش‌شناسانه است.

ولی این نوع تاریخ سیاسی برای چه اهمیتی دارد و یافتن پاسخ‌های معتبر به چنان پرسش‌هایی به چه کار می‌آید؟ به بیان دیگر، نتایج چنین پژوهشی چه تأثیری در وضع موجود دارد؟ اهمیت این پژوهش و دیگر پژوهش‌های تاریخ سیاسی اساساً از اهمیت خود تاریخ به‌منزله نوعی شناخت، دانش یا معرفت ناشی می‌شود. بنابراین، برای آگاهی از اهمیت این پژوهش درباره تاریخ سیاسی، نخست باید از اهمیت تاریخ و هر نوع پژوهش تاریخی آگاه بود.

در کل، چند الگوی اصلی برای بیان اهمیت و توجه به تاریخ وجود دارد. اولاً، تاریخ نیاز انسان‌های صرفاً علاقه‌مند به شناخت گذشته را تأمین می‌کند؛ نیری که در واقع از نوعی کنجکاوی صرف ناشی می‌شود. ثانیاً، تاریخ تأمین‌کننده نیازهای هویتی انسان‌هاست. انسان‌ها نیز، لحاظ تاریخ به انسان‌ها کمک می‌کند تا درک و تصویری از تبار و کیستی خود به دست آورند. با توجه به اینکه هویت نقش عمده‌ای در زندگی اجتماعی دارد و کنش‌های انسان‌ها تا حدودی تابعی از هویت‌های آنان است، این کارویژه تاریخ اهمیت زیادی دارد و افراد، جوامع و به‌ویژه دولت‌ها حساسیت زیادی نسبت به تاریخ نشان می‌دهند (Steam, 1998؛ مکالا، ۱۳۸۷: ۳۱۳-۳۱۴).

توجیه اصلی تاریخ این است که به شناخت حال و پیش‌بینی آینده کمک می‌کند. انسان‌هایی که در حال زندگی می‌کنند و دغدغه آینده را در سر دارند، معمولاً نه صرفاً برای خود گذشته، بلکه به خاطر حال و آینده به گذشته علاقه‌مند هستند. آنان می‌کشند گذشته را بشناسند تا بر پایه چنین شناختی بتوانند حال را بهتر بشناسند و برنامه‌ریزی بهتری برای آینده بکنند. به این ترتیب، شناخت گذشته به این دلیل ارزشمند است که با کمک به شناخت بهتر حال و آینده، در خدمت

علاق و نیازهای زندگی فردی و جمعی قرار می‌گیرد.

بنابراین، تاریخ مانند دیگر رشته‌های علمی است که در قالب انواع نهادهای آموزش و پژوهش سامان می‌یابد تا در خدمت بقا و ارتقای زندگی اجتماعی در جوامع معین باشند. ولی انجام درست چنین کار ویژه‌ای نیازمند بازسازی و بهسازی پایدار رشته‌های مختلف علمی، از جمله تاریخ است. علوم همواره باید کارآمدی خود را محک بزنند و برای ارتقای اعتبار خود بکوشند. این مهم معمولاً با انجام پژوهش‌های مختلف صورت می‌گیرد که اعتبار نظری و کاربردی علوم را ارتقا می‌دهد.

کتاب حاضر نیز از لحاظ نظری و کاربردی اهمیت دارد. نتایج پژوهش بیان‌شده در این کتاب می‌تواند با روشی سیستمی در تعریف تاریخ سیاسی، این رشته علمی را از لحاظ مفهومی ارتقا دهد. با توجه به این‌که تعریف دقیق، مشخص و موجهی از تاریخ سیاسی وجود ندارد، کتاب حاضر می‌تواند در خدمت رفع این کاستی باشد. عبارتی، چنین کتابی می‌تواند دانش موجود درباره تاریخ سیاسی را بهبود بخشد.

این دستاورد نظری می‌تواند اهمیت کاربردی هم داشته باشد و واقعیت‌های موجود مرتبط را بهبود بخشد. مهم‌ترین دستاورد کتاب حاضر می‌تواند دستاورد روش‌شناختی باشد. با توجه به این‌که در این کتاب، تاریخ سیاسی تعریف و توجیه می‌شود و بر اساس آن تعریف، روشی هم برای نگارش تاریخ سیاسی پیشنهاد خواهد شد. در صورت پذیرش و کاربست روش پیشنهادی، نگارش تاریخ سیاسی می‌تواند نظم و سامان مشخصی پیدا کند.

چنین دستاوردی از این لحاظ اهمیت دارد که به‌واسطه این کتاب در تعریف تاریخ سیاسی، نگارش تاریخ سیاسی به نوعی ناسامانی و آشفتگی پایدار دچار شده است. در واقع بیشتر نوشته‌هایی که بر اساس عنوان یا موضوع در «رده تاریخ سیاسی» قرار می‌گیرند، نه تنها به‌گونه تعریف و مفهوم‌بندی مشخصی از تاریخ سیاسی را در بر نمی‌گیرند، تابع روش‌شناسی معینی هم نیستند. بنابراین، تنوع و تعدد هستی‌شناسانه و روش‌شناسانه نوشته‌های متعلق به «رده تاریخ سیاسی» چنان بالاست که نمی‌توان به نتیجه مشخصی درباره موضوع تاریخ سیاسی و روش نگارش تاریخ سیاسی دست یافت. به بیان دیگر، از آنجا که هر موضوع تاریخی را می‌توان سیاسی دانست و هر روشی را می‌توان برای نگارش تاریخ سیاسی به کار بست، در واقع، تاریخ سیاسی به معنای دقیق کلمه، نه موضوع مشخصی دارد و نه روش مشخصی.

به موازات بهبود تاریخ سیاسی پژوهی و نگارش تاریخ سیاسی، نتایج این پژوهش می‌تواند الگوهای آموزش تاریخ سیاسی را هم تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به اینکه ابهام و آشفتگی در تعریف تاریخ سیاسی و روش نگارش تاریخ سیاسی، آموزش تاریخ سیاسی را هم کم‌وبیش تحت تأثیر قرار داده است انتظار می‌رود که با طرح چنین مباحثی، الگوهای مناسبی را برای این حوزه آموزشی بازسازی کرد. به عبارتی، اگر بدانیم که تاریخ سیاسی چیست و چگونه می‌توان آن را بررسی کرد، آموزش تاریخ سیاسی هم نظم و سامان موجهی می‌گیرد.

کوتاه‌سخن این که کتاب پیش رو می‌تواند افزون بر ارتقای آگاهی و دانش موجود ما درباره تاریخ سیاسی، برای افرادی که به نوعی در زمینه تاریخ سیاسی فعالیت می‌کنند، مفید باشد. با مطالعه کتاب، ممکن است درک و نسبت به چستی تاریخ سیاسی، روش ما در نوشتن و آموزش تاریخ سیاسی تغییر کند. یعنی ممکن است تعریف و تصور روشن‌تری از تاریخ سیاسی کسب کنیم و بر اساس چنان تعریف و تصویری، ابزارهای پژوهش و آموزش تاریخ سیاسی را اصلاح کنیم.

البته، می‌توان کاربرد مهم‌تری برای این کتاب متصور بود که عبارت است از تأثیر تاریخ سیاسی بر نظم و زندگی سیاسی. اگر به این باره پابند باشیم که «گذشته چراغ راه آینده است» و شناخت گذشته می‌تواند در خدمت شناخت حال و آینده باشد، بی‌گمان هرگونه بهبود نظری و روش‌شناختی در حوزه تاریخ سیاسی این امکان را برای ما فراهم می‌کند که گذشته سیاسی را به شکل بهتر و مؤثرتری در خدمت زندگی سیاسی فعلی و آتی برانیم. به بیان روشن‌تر، اگر شناخت تاریخی می‌تواند زندگی سیاسی ما را بهبود بخشد، هر چه اسباب شناخت تاریخی بیشتر باشد. تأثیر بهبودبخش آن شناخت هم بیشتر می‌شود.

اهمیت چنین تأثیر و کاربردی زمانی برجسته‌تر می‌شود که وضع رجوع نگارش تاریخ سیاسی را مدنظر قرار دهیم. ابهام پایدار در تعریف تاریخ سیاسی و روش‌شناسی تاریخ سیاسی باعث شده است که در بیشتر موارد تاریخ سیاسی چیزی جز نوعی گاهشمار رویدادهای سیاسی نباشد. بیشتر کتاب‌هایی که عنوان تاریخ سیاسی دارند یا موضوع آن‌ها تاریخ سیاسی است، چیزی جز تاریخ زندگی و عملکرد حکام نیست. بنابراین بازشناسی رویدادهای سیاسی گذشته چنان زمان‌مند و مکان‌مند می‌شود که امکان بهره‌برداری از آن برای فهم مستی‌ها و شرایط سیاسی کنونی بسیار کاهش می‌یابد. به عبارتی، در قالب کتاب‌های تاریخ سیاسی که بر تعریف و روش موجهی استوار نیستند، رویدادهای سیاسی به امری خاص و حتی منحصر به فرد تبدیل می‌شوند و یافتن نسبتی میان

آن رویدادها و زندگی سیاسی جاری بسیار دشوار می‌شود.

اگر شناخت گذشته به دلیل نقش آن در شناخت حال اهمیت داشته باشد، تاریخ سیاسی باید آن‌ها را اساساً از لحاظ تداوم یا تکرار بررسی کند؛ یعنی اندرکنش‌های سیاسی، بستر اندرکنش‌های سیاسی و نسبت آن‌ها را هم به لحاظ ماهیت پایدار و تکرارپذیر و هم به لحاظ تداوم و تحول هستی‌ها بررسی کند. به بیان ساده‌تر، اندرکنش‌های سیاسی به لحاظ ماهیت نسبتاً ثابتی که دارند ممکن است در زمان و مکان‌های دیگری هم تکرار شوند. بنابراین، برای مثال، تصمیم سیاسی خاص تاریخ، فی‌نفسه مهم نیست بلکه به منزله مصداقی از نوعی الگوی تصمیم‌گیری اهمیت دارد. بنابراین، کنش‌های سیاسی متعلق به گذشته هم اساساً به این دلیل اهمیت دارند که تا زمان حال تداوم یافته‌اند.

با چنین ملاحظاتی، قاعدتاً تاریخ سیاسی به هستی‌شناسی و روش‌شناسی مشخص و مناسبی نیازمند است. اگرچه، اساسی جامعه معین بر اساس چنین مفهوم‌بندی‌ها و روش‌شناسی‌هایی بازشناسی و بازسازی سربسته می‌تواند در خدمت شناخت زندگی سیاسی فعلی و آتی باشد. به عبارتی، اگر رویدادهای سیاسی گذشته جامعه معین با توسل به هستی‌شناسی و روش‌شناسی مشخص و موجه نوشته شود می‌تواند گنجه‌ای ارزشمندی برای فهم تحولات سیاسی جاری و به‌سازی نظم سیاسی آن جامعه باشد.

حال که از اهمیت انجام چنین کتابی آگاه شدیم، لازم است درباره روش انجام آن نیز سخنی کوتاه بگوییم. استراتژی به کاررفته برای دستیابی به اهداف اساساً هنجاری-قیاسی است؛ یعنی اینکه برای تولید معرفت جدید مورد نظر (یا مفهوم‌بندی تاریخ سیاسی) نخست یک رشته تعاریف و اصول پذیرفته‌شده را شناسایی می‌کنیم تا نتایج معینی را از آن استنتاج کنیم. به‌طور عمده در این کتاب، تعاریف و اصول مورد نظر به چستی تاریخ و سیاست و نسبت آن‌ها با یکدیگر مربوط می‌شود. به بیان ساده‌تر، نخست ماهیت و نسبت تاریخ و سیاست را تعریف و توجیه می‌کنیم؛ سپس بر پایه این تعاریف، تاریخ سیاسی را توجیه و تعریف می‌کنیم.

پس از آنکه بر اساس تعریف ماهیت و نسبت تاریخ و سیاست، تعریفی از تاریخ سیاسی را مطرح و توجیه کردیم، همین تعریف را مبنایی برای استنباط نوعی روش‌شناسی تاریخ سیاسی قرار می‌دهیم. در این قسمت از بحث، استدلال می‌کنیم که اگر تعریف معینی از تاریخ سیاسی را بپذیریم، پایبندی به آن تعریف، روش یا الگوی معینی را برای نگارش تاریخ سیاسی ایجاب یا اقتضا

می‌کند. به بیان دیگر، نخست بر اساس هستی‌شناسی تاریخ و سیاست، به هستی‌شناسی تاریخ سیاسی می‌پردازیم و سپس همین هستی‌شناسی را مبنای روش‌شناسی تاریخ سیاسی قرار داده و الگویی را برای نگارش تاریخ سیاسی پیشنهاد می‌کنیم.

سازماندهی کتاب با روش آن متناسب است. بنابراین فصل اول را به پیشینه پژوهش اختصاص داده‌ایم تا روشن شود که درباره تعریف تاریخ سیاسی و روش نگارش آن (یا همان هستی‌شناسی و روش‌شناسی) چه مطالعاتی انجام شده است و مطالعات انجام‌شده چه ویژگی‌هایی دارد. در فصل دوم، می‌کوشیم تاریخ سیاسی را به روشن‌ترین شکل ممکن تعریف و از آن تعریف هم دفاع کنیم. با توجه به اینکه برای انجام این امر مهم، نخست باید تاریخ و سیاست را تعریف و نسبت‌های آن دو را مشخص کنیم، فصل دوم دربرگیرنده چند بحث فرعی و مقدماتی هم می‌باشد. فصل سوم کتاب را نیز به پیشنهاد توجه روش معینی برای تاریخ سیاسی اختصاص داده‌ایم. در این فصل، استدلال می‌کنیم که اگر تعریف مشخص از تاریخ سیاسی را می‌پذیریم بر اساس چنین تعریفی، چه روش یا الگویی برای نگارش تاریخ سیاسی مناسب است.